المثل اهل عالم [است]. ازآن جمله دکان «ملنری»[1] که مخصوص اشیای زنـانه است، ونقره‌فروشی وساعتسازی وحلوایی وعطاری ومیوه فروشی بسیار برونق وپـاکیزه می‌باشد. وانواع میوه چندین قسم امرود وگلابی وسیب وانگوروگیلاس ونارنج ولیمو، ودیگرمیوه‌های خاص آن ملك، وصد قسم میوهٔ خشك هرجای عالم، که‌گردو وبـادام تازه ازآن جمله است، دردکان میوه فروشی به‌هم رسد. وحلوای ایشـان آنچه مطبوخ است به‌مسکه طبخ‌کنند، کم شیرینی، ملفوف به‌نان تنگهٔ میده،[2] وغیر مطبوخ یاممزوج به‌مغزمیوه یاترشیها، درقوتیهای مقوایی‌نقاشی گذاشته می‌باشد. انواع واقسام آن بیش ازشماراست. وایضاً دراین دکان انواع شوربای لذیذ وطعامی ازگوشت‌گوسپند ومرغهای‌بریان، ومیوه‌های چاشنی‌دار تازه‌که دورآن نان میدهٔ‌روغنی گرفته، درظرفی‌گذاشته، درتنورپزند و«پای»[3] و «ترت»[4] نامند، پخته شود. مردم به‌آیین طعام وحاضری بدین دکان رفته خورند، وهرکس این چیزها برسفرهٔ خانه خواسته باشد، ازآنجا طلب نماید، زیراکه این طعام درخانه‌ها به‌خوبی بازارپخته نمی‌شود.

ذکرروشنی شب

وقت شب باآنکه درهرکوچه دوقطارقندیل روغن چراغ‌که درارتفاع یکسان است، از «سرکار»[5] شاهی روشن‌کنند و دکانداران پشت اورسیهای آینه‌ای آن‌قدرشموع افروزندکه مثل روزروشن شود، تـاشب هنگام وارد این شهرشدیم به‌هرطرف‌که می‌گذشتیم‌دوخط طولانی ازنوربه‌نظرمی‌آمد، وازکثرت‌شموع دکانداران، خصوص‌دکان عطاری‌که شیشه‌های بلورین پر[از] رنگهای سیال رقیق والوان، فقط به‌قصد نمود، درآن نهاده می‌باشد، بازارچون امام بـارهٔ نواب سراج‌الدوله یانواب وزیرهند آصف‌الدوله بهادرمرحوم، تماشاگاه درچشم می‌نمود. چون قبل‌ازآن، روشنی به‌این قسم‌ندیده‌بودم، آن‌قدر جلوه درچشم داد و دلپذیرگشت‌که روشنیهای لندن بعد ازاین درخـاطرنمودی نکرد. ازجملهٔ اسباب دلکشی‌دکاکین، دیگراینکه درهردکان یك یادوآینهٔ‌اورسی سیاه مات‌کنند، ودروسط آن یك دوسطربه‌خط جلی بسیارخوش به‌آب زریانقره، ازاشیای آن دکان نویسند. جایی آن سطوربه‌سیاهی براق برآینهٔ ساده‌مسطوراست، ودورحروف تحریر ازآب طلاست، وبرپیشانی هردکان ایضاً تخته‌ای سیاه رنگ به‌عرض نیم وجب ودرطول به‌قدرحددکان‌که یك سطربه‌آب طلا درآن نوشته‌اند می‌باشد، چنانچه ازاتصال تخته‌ها به‌هم، حاشیه برای تمام‌بازار

۱) Millinery (کلاهفروشی زنانه). ۲) نان لواش بریده‌شده. ۳) Pie (کلوچهٔ گوشتی).
۴) Tart (نان مربایی، کلوچهٔ میوه‌دار). ۵) سرکار، معموره... و هـرصوبه (استان، ایالت مثل صوبهٔ بنگال، صوبهٔ بیهار) مشتمل برچند «سرکار» می‌باشد. (آنندراج).

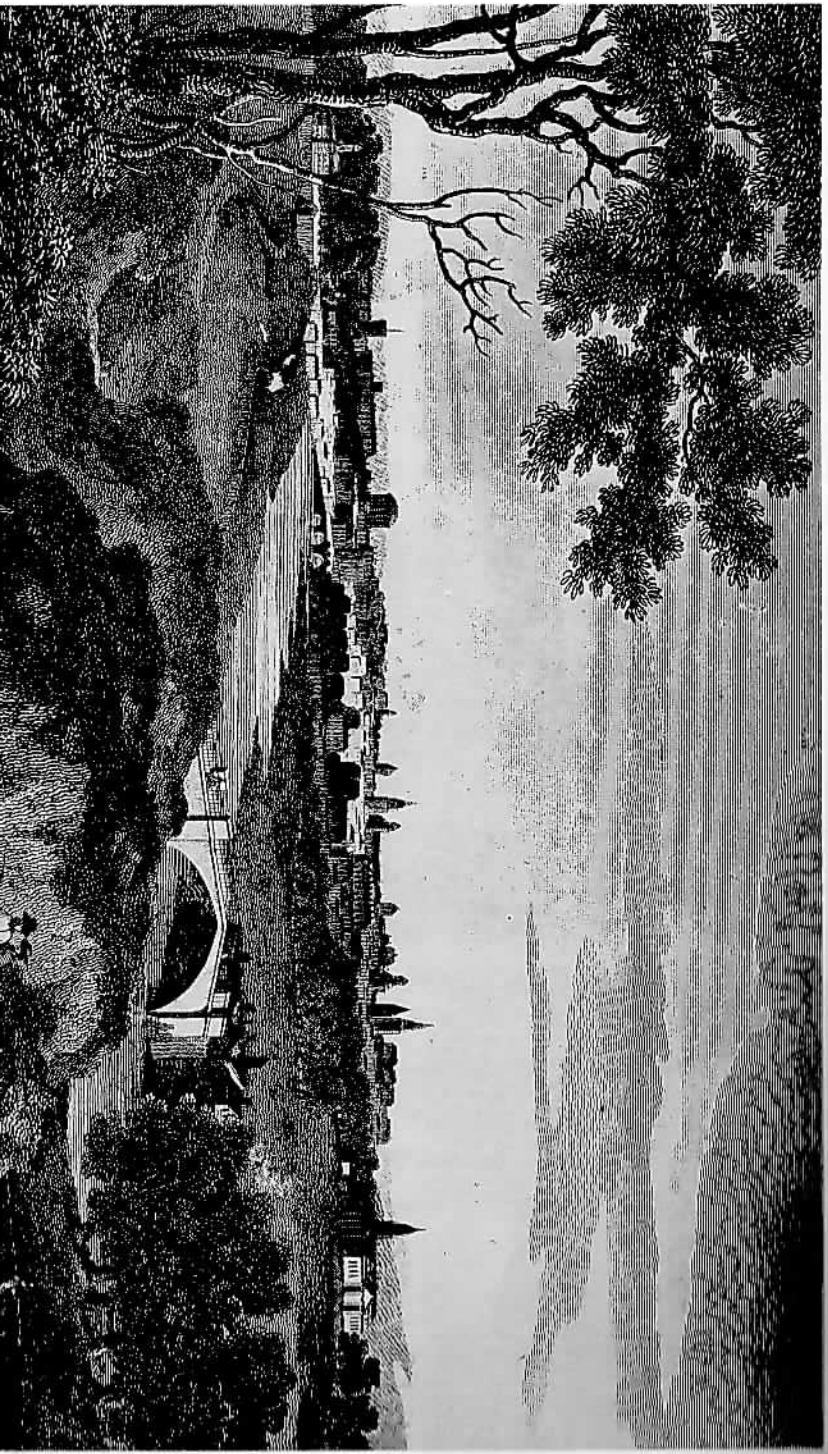

۴. مرورودیلی ازقبکی پاگوده